

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۶، تابستان ۱۳۹۴

سنخ‌شناسی مشارکت اصحاب حاضر در جنگ احد بر اساس قرآن و منابع تاریخی

شهلا بختیاری^۱
فاطمه مطهری‌فر^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۰

تاریخ تصویب: ۹۳/۹/۲

چکیده

در جنگ احد، از غزوات رسول‌الله (ص)، صحابه حاضر در آن نبرد رفتار و عمل کرد گوناگونی نشان دادند. با وجود فداکاری و جان‌بازی عده‌ای، برخی رو به یأس آورده، حتی از میدان نبرد گریختند. این رفتارها طیف وسیعی از گونه‌های مشارکت را نشان می‌دهد که در مقایسه آیات قرآن کریم با منابع تاریخی، تفاوت رفتاری به شکلی دیگر نمایان می‌شود.

رویکرد قرآن و منابع تاریخی به رخ داده‌های این جنگ تا حدودی متفاوت است. در این مقاله، با استفاده از روش کمی نوع‌شناسی،

^۱ استادیار تاریخ دانشگاه الزهراء؛ Dr_shba@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه الزهراء؛ F.motaharyfar@gmail.com

سنخ‌شناسی مشارکت صحابه‌ای که در آیات قرآنی ذکر شده و صحابه‌ای که در منابع تاریخی از آن‌ها یاد شده است، انجام می‌شود. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در مقایسه بین سنخ همراه کامل و سایر سنخ‌ها، از مجموع ۲۷ آیه مربوط به جنگ احد، ۷۰ درصد آیات شاخصه‌ها و ویژگی‌های سنخ‌های همراه حداکثری، نیمه‌همراه و غیرهمراه را بیان می‌کند و فقط ۳۰ درصد باقی‌مانده نشان‌دهنده شاخصه‌های همراهان کامل‌اند. منابع تاریخی بیشتر صحابه حاضر در میدان را با ویژگی‌های قابل صدق بر همراهی کامل معرفی می‌کنند و از ذکر گونه‌های دیگر و ویژگی‌های آنان به سرعت می‌گذرند؛ اما در رویکرد آیات قرآن، بیشتر صحابه با مشارکت نسبتاً غیرفعال و با رفتار منفعلانه و سست مورد خطاب بوده‌اند. در واقع، آنچه در آیات قرآن کریم مورد خطاب قرار گرفته، برعکس منابع، بیشتر ناظر به اصحابی است که مشارکت آن‌ها در نبرد ناکافی و غیرمؤثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: نبرد احد، سنخ‌شناسی، مشارکت سنجی، اصحاب پیامبر (ص)، قرآن، منابع تاریخی.

۱. مسئله پژوهش

جنگ احد به سبب مسائل و مشکلاتی که برای مسلمانان ایجاد کرد و ایمان آنان را به محک آزمون گذاشت، اهمیت ویژه‌ای در تاریخ اسلام دارد. قرآن کریم در سوره‌های متعددی به ویژه آل عمران، وقایع جنگ احد، ثمرات و پیامدهای آن، انگیزه‌های درونی افراد و علل شکست مسلمانان را بیان کرده است. با تأمل در آیات مربوط به نبرد احد می‌توان به نوعی گونه‌شناسی از مشارکت اصحاب حاضر در احد دست یافت. خداوند در این آیات به بررسی سه عنصر ایمان، عمل و گفتار اصحاب پیامبر (ص) پرداخته که از

تقابل این عناصر، سنخ‌های متعددی از اصحاب تشخیص داده می‌شود. این سنخ‌شناسی با محوریت چگونگی مشارکت در جنگ و همراهی اصحاب با پیامبر (ص) انجام می‌شود؛ از این رو می‌توان اصحاب را در چهار سنخ همراه کامل، همراه حداکثری، نیمه‌همراه و غیرهمراه جای داد.

در مقابل سنخ‌شناسی قرآن، گزارش‌های تاریخی منابع درباره مشارکت اصحاب حاضر در جنگ احد آمیخته به ابهام و گاه آشفته و ناهمگون است و به‌نحوی گذرا از ویژگی‌ها، عمل کرد و مشارکت صحابه در نبرد احد عبور می‌کند. سنخ‌شناسی برگرفته از گزارش‌های منابع تاریخی از مشارکت اصحاب حاضر در احد، آنان را در پنج سنخ همراه کامل، همراه حداکثری، نیمه‌همراه، همراه حداقلی و غیرهمراه شناسایی می‌کند.^۱ تفاوت نگرش قرآن با سنخ‌های برآمده از گزارش‌های تاریخی در سنخ همراه حداقلی است که مفهومی دال بر آن یافت نمی‌شود؛ اما در روایات تاریخی به آسانی می‌توان شاخصه‌های آن را یافت.

در این نوشتار در پاسخ به پرسش و جوه اشتراک و افتراق گزارش منابع تاریخی درباره نوع‌شناسی مشارکت اصحاب در غزوه احد با گزارش قرآن، فرض بر این است که رویکرد سنخ‌شناسانه قرآن، عمدتاً ناظر به اصحابی است که در نبرد مشارکت نداشته یا مشارکت اندکی داشته‌اند؛ اما نوع‌شناسی برگرفته از منابع تاریخی اغلب ناظر به مشارکت‌کنندگان فعال است.

۲. روش و پیشینه تحقیق

این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های کمی و کیفی، به استخراج گونه‌های مشارکت صحابه و دسته‌بندی آن‌ها در جدول‌ها و نمودارها برحسب میزان همراهی آنان با رسول اکرم (ص) در غزوه احد پرداخته است. در بخش کمی پژوهش که جامعه آماری را نشان می‌دهد، ۱۰۱ نفر از صحابه مشارکت‌کننده در نبرد احد شناسایی شده‌اند که منابع تاریخی صرفاً آنان را معرفی کرده است. در بخش قرآنی آیات ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۲۲، ۱۴۳-۱۴۵، ۱۵۲-

۱. نام و ویژگی‌های سنخ‌های یادشده از پایان‌نامه خدیجه سهراب‌زاده با عنوان سنخ‌شناسی رفتاری صحابه شاخص حاضر در غزوات با تکیه بر الگوی سنخ‌شناسی قرآن اخذ شده است.

۱۵۶، ۱۶۲ و ۱۶۷-۱۷۴ سوره آل عمران، آیه ۶۲ سوره نور، آیه ۲۳ سوره احزاب، آیه ۲۱۴ بقره، آیه ۲ صف و آیات ۷۸ و ۸۸ سوره نساء استخراج شده است. علاوه بر این، در آیات دیگری از سوره‌های قرآن مانند آل عمران، بقره، احزاب، نور، نحل، نساء، صف و انفال نیز به غزوه احد و نتایج آن پرداخته شده است که با بهره‌گیری از آن‌ها و منابع تفسیری می‌توان پژوهش را در حوزه وسیع‌تری بررسی کرد.^۱

در مورد پیامبر (ص)، صحابه و جنگ احد تحقیقات متعددی انجام شده است؛ از قبیل احد قلّه بحران (میثمی، ۱۳۸۴)، تحلیلی بر آیات غزوه احد در سوره آل عمران (رستمی، ۱۳۸۶)، «علل شکست غزوه احد از منظر قرآن» (حر، ۱۳۸۶) و غیره؛ اما در حوزه سنخ‌شناسی آثار اندکی منتشر شده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به سنخ‌شناسی رفتاری صحابه شاخص حاضر در غزوات با تکیه بر الگوی سنخ‌شناسی قرآن (سهراب‌زاده، ۱۳۸۹) اشاره کرد. بر این اساس، در این مقاله با رویکرد جدید، گونه‌شناسی صحابه در نوع همراهی آنان با رسول اکرم (ص) صورت می‌گیرد.

۳. سنخ‌شناسی اصحاب حاضر در غزوه احد بر اساس آیات قرآن

سنخ^۲ به معنای نوع و قسم (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۳۵) در اصطلاح به طبقه‌ای از افراد گفته می‌شود که در چند صفت مشترک و همانند هستند. سنخ‌شناسی^۳ تقسیم و تنظیم داده‌های مربوط به سنخ است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۵).

هدف از سنخ‌شناسی در این مقاله، بررسی مشارکت اصحاب پیامبر (ص) در غزوه احد بر اساس میزان و نوع همراهی آن‌ها در آیات قرآن است. توصیف قرآن کریم از غزوه احد و تصویری که از آن ارائه شده، به مراتب زنده‌تر و روشن‌تر از منابع تاریخی است. قرآن از ویژگی‌های سپاه پیامبر (ص) سخن گفته و این امتیازی است که فقط این کتاب آسمانی از آن برخوردار است و کتاب‌های تاریخی دارای چنین ویژگی نیستند؛ زیرا قرآن

۱. به سبب فراوانی زیاد منابع به ویژه در بخش مطالعات متکی بر منابع تاریخی، برای پرهیز از تکرار و زیادی ارجاعات، به صفحات پایان‌نامه‌ای که مقاله حاضر گزارش دستاوردهای آن است، ارجاع داده شده است.

2. type
3. typology

خصوصیات درونی و قلبی مسلمانان را بیان کرده و از نکاتی پرده برداشته است که افراد آن را آشکار نکرده بودند. با تدبیر و تفکر در آیات مربوط به غزوه احد می توان به دقت، عمق و فراگیری مفاهیم قرآن در این موضوع پی برد.

قرآن در آیات متعددی از سوره آل عمران به ابعاد گوناگون غزوه احد پرداخته است. به گفته عبدالرحمن بن عوف، اگر کسی بخواهد درباره جنگ احد آگاه شود، آیه ۱۲۰ به بعد آل عمران را بخواند؛ با این کار گویا در این جنگ حاضر بوده است (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۳۱۹). به نظر محمد بن اسحاق، ۶۰ آیه از سوره آل عمران به جنگ احد مربوط است (ابن هشام، بی تا: ۲/۱۰۶). افزون بر آیات سوره آل عمران، برخی آیات سوره های نور، احزاب، بقره، نساء، انفال، نحل و صف هم درباره غزوه احد نازل شده است. خداوند در این آیات به بررسی سه عنصر ایمان، عمل و گفتار اصحاب پیامبر (ص) پرداخته است. از بررسی تقابل این عناصر سنخ های متعددی از اصحاب را می توان شناسایی کرد. این سنخ شناسی با محوریت چگونگی مشارکت در جنگ و همراهی اصحاب با پیامبر (ص) قابل استنباط است. از طریق بررسی آیات و استنباط مفاهیم آنها، چهار سنخ شناسایی می شود: همراه کامل، همراه حداکثری، نیمه همراه و غیرهمراه.

در مجموع، تعداد آیاتی که می توان براساس آنها به سنخ شناسی مزبور رسید، ۲۷ آیه است که در هشت آیه ویژگی ها و شاخصه ها بیان شده که ناظر به سنخ همراه کامل است و از نوزده آیه باقی مانده هم خصوصیات سنخ های همراه حداکثری، نیمه همراه و غیرهمراه استنباط می شود. در هر بخش ابتدا آیه مربوط و سپس تفسیر و تحلیل آن ذکر می شود.

در رویکردی کلی، قرآن براساس عنصر ایمان، مسلمانان را به دو دسته مؤمن و منافق تقسیم کرده است. اما ایمان درجات و مراتبی دارد. بر این مبنا سنخ های متعددی از مؤمنان با درجات متفاوت، میان دو قطب مؤمنان واقعی و منافقان تشخیص داده می شود.

۳-۱. بررسی سنخ همراه کامل در قرآن

این اصطلاح (همراه کامل) معادل واژه مؤمن در قرآن لحاظ شده است. اما باید دقت کرد که واژه مؤمن در قرآن به دو معنای عام و خاص به کار رفته است: مؤمن در معنای عام به

فردی گفته می‌شود که کلمه شهادتین را گفته و به اسلام اعتراف کرده است، خواه در قلب اعتقاد داشته یا نداشته باشد؛ اما این واژه در معنای خاص که مطابق با همراه کامل است، به کسانی از مسلمانان اطلاق می‌شود که افزون بر پذیرش ظاهری اسلام، عقیده قلبی نیز داشته و در برابر گفتار خدا و رسول او تسلیم باشند. مشخصات اصلی سنخ مؤمنان در سه محور صدق ایمان، همراهی عملی و اقرار زبانی مطرح می‌شود.

آیات مصداق این سنخ متضمن ستایش کسانی است که در این واقعه قدمی به سوی فرار ننهادند، آن قدر پای مردی کردند تا به شهادت رسیدند و همچنین کسانی که تا آخر جنگ استقامت و نبرد کردند، اما کشته نشدند (آیات ۱۶۹-۱۷۴ سوره آل عمران، آیه ۲۳ سوره احزاب و آیه ۶۲ سوره نور).

خداوند در این آیات جایگاه بلند و ارجمندی را که در بهشت برای شهیدان احد اختصاص داده است، بیان می‌کند. در شأن نزول این آیه طبرسی سه قول می‌داند که یکی شهدای بدر بوده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۸۸۰). سیوطی (۱۴۰۴: ۲/ ۹۴) و طبری (۱۴۱۲: ۴/ ۱۱۳) فقط نقل مربوط به شهدای احد را آورده‌اند.

با وجود تعمیم در مضمون و محتوای آیه که همه شهیدان راه حق را شامل می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۸۸۰)، با توجه به محتوا و آیات پس و پیش آن می‌توان سبب نزول آن را شهدای احد دانست. ابن عباس در روایتی به نقل از رسول خدا (ص) شادمانی روح شهدای احد را بازگو می‌کند که با خود می‌گویند: ای کاش برادران مسلمان ما از پاداش نیکی که خدا به ما داده، آگاه بودند تا در جهاد سستی نکنند و از جنگ با دشمن ترس و بیمی نداشته باشند! (ابن هشام، بی تا: ۲/ ۱۱۹؛ طوسی، بی تا: ۳/ ۴۵).

نکته اصلی آیه ۱۶۹ زنده بودن شهیدان راه خداست. این آیه سخن منافقانی را تکذیب می‌کند که گفتند: اصحاب محمد (ص) خویشان را به کشتن می‌دهند و خیری نصیب آنان نخواهد شد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/ ۲۰۲). خداوند در آیه بعد به گوشه‌ای از مزایا و برکات

۱. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (۱۶۹) «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (۱۷۰) «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۷۱)

فراوان زندگی برزخی شهیدان اشاره کرده است و درنهایت آیه ۱۷۱ تأکید و توضیح بیشتر دربارهٔ بشارت‌هایی است که شهیدان پس از کشته‌شدن دریافت می‌کنند. آن‌ها از دو جهت مسرور می‌شوند: نخست، به تنها نعمت‌های خداوند، بلکه فضل او که همان افزایش و تکرار نعمت است نیز شامل حال آن‌ها می‌شود؛ دوم، آن‌ها می‌بینند که خدا نه پاداش مؤمنان را ضایع می‌کند، نه پاداش شهیدان را و نه پاداش مجاهدان راستینی که شربت شهادت نوشیدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۱۷۶). این آیات بیانگر منزلت آن دسته از مجاهدانی است که برای گسترش اسلام خالصانه در میدان احد سینه سپر کردند و از هیچ خطری نهراسیدند.^۱

طبرسی در شأن نزول این آیات گفته است که پس از پایان جنگ احد، قریش در مسیر بازگشت به مکه به سرزنش خویش پرداختند و درصدد تدارک حمله‌ای دیگر برآمدند. سیوطی (بی‌تا: ۲/۱۰۱) و طبری (۱۴۱۲: ۴/۱۱۷) نیز در این باره با طبرسی هم‌عقیده‌اند. این آیه ناظر به این واقعه تاریخی است و مؤمنان را بدین گونه توصیف می‌کند که آن‌ها خدا و پیامبرش را لیبیک گفتند و از آن‌ها فرمان‌برداری کردند؛ درحالی که زخمی بودند. خداوند درمقابل این جان‌فشانی، کار نیک و تقوای آن‌ها، در آیه ۲۳ سوره احزاب وعدهٔ پاداشی بزرگ می‌دهد.^۲

براساس برخی روایات، این آیه در شأن انس بن نصر (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۴۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۱۹۰) یا طلحه بن عبیدالله (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۵۳۲) دو تن از صحابه‌ای که مشارکشان در میدان احد کامل و مؤثر بوده، نازل شده است. به روایت ابن عباس نیز منظور این آیه، حمزه بن عبدالمطلب و کسانی که با او به قتل رسیدند و انس بن نصر و یارانش هستند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۴۹). برمبنای تمام این روایات، این آیه در شأن شهدای احد و

۱. پس از نبرد احد، کفار با خود گفتند چرا با پیروزی و برتری کامل به مدینه وارد نشدند و کار را یکسره نکردند؛ پس بهتر است برگردند. صدور دستور بسیج عمومی از سوی پیامبر (ص) و مجاز شدن تنها کسانی که در جنگ احد شرکت کرده بودند، برای تعقیب قریش، ادامهٔ مواجههٔ بدون ترس با خطر است که صبح روز بعد از جنگ احد هفتاد تن از مسلمانان و زخمی‌های احد از مدینه خارج شدند تا به منطقهٔ حمراء الاسد رفتند. پیامبر (ص) و مسلمانان پس از سه روز توقف به مدینه بازگشتند. آیات یادشده نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۸۸۹).

۲. «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

صحابه‌ای است که تا پایان نبرد ایستادگی کردند و رشادت‌های بسیاری از آن‌ها ثبت شده است. در آیه ۶۲ سوره نور نیز خداوند به آن اذعان کرده است.^۱

در کتب تفسیر درباره شأن نزول این آیه مطالب گوناگونی ذکر شده است: برخی آن را مربوط به حنظله غسیل الملائکه (قمی، ۱۳۶۷: ۲/ ۱۱۰) دانسته‌اند؛ برخی دیگر گفته‌اند درباره منافقانی است که در تنهایی از نماز فرار می‌کردند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/ ۶۰)؛ دسته‌ای دیگر آن را در مورد مسلمانانی دانسته‌اند که مشغول کندن خندق بودند و برای سرکشی به خانواده خود از پیامبر (ص) اجازه می‌خواستند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۵/ ۴۴۴).

با توجه به روایت علی بن ابراهیم قمی می‌توان این آیه را در وصف حنظله، شهدا و دیگر حاضران در احد دانست که از همراهان واقعی رسول خدا (ص) بودند و در سنخ همراه کامل قرار می‌گیرند.

همان‌طور که ملاحظه شد، آیات ذکر شده به ستایش کسانی پرداخته که در میدان احد قدمی به سوی فرار ننهادند، آن‌قدر پای‌مردی کردند تا به شهادت رسیدند و همچنین کسانی که تا آخر جنگ استقامت و نبرد کردند، اما کشته نشدند. شاخصه‌های این افراد با سنخ همراه کامل صدق می‌کند.

۳-۲. بررسی سنخ همراه حداکثری در قرآن

پس از مؤمنان واقعی که همواره فرمان‌بر سخنان و دستورهای پیامبر (ص) بوده‌اند، سنخ دیگری از مؤمنان قرار دارند که از نظر ایمان در درجاتی پایین‌تر از مؤمنان حقیقی هستند و به همان نسبت از جهت کردار نیز از میزان همراهی آنان با پیامبر (ص) کاسته می‌شود.

این افراد ضمن اینکه در غزوات پیامبر (ص) حاضر شده و او را همراهی کرده‌اند، عواملی همچون هجوم ناگهانی دشمن، علاقه به جمع‌آوری غنایم و مواردی از این قبیل در همراهی آنان با پیامبر (ص) تأثیر منفی گذاشته و سبب فرار یا سستی و ضعف و به اصطلاح

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرُ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

قرآن «فشل» در آنان شده است. اما آنان پشیمان شده‌اند و خداوند در آیات مربوط، از بخشیده شدن آنان خبر داده است. مصداق این سنخ در آیه ۱۲۲ آل عمران دیده می‌شود: «هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ».

براساس تفاسیر، این آیه زمانی را خاطر نشان می‌کند که دو طایفه از مسلمانان (بنی سلمه از قبیله اوس و بنی حارثه از قبیله خزرج) خواستند سستی کنند و از میان راه به مدینه بازگردند؛ زیرا آن‌ها مصلحت را در این می‌دیدند که شهر مدینه سنگر باشد و پیامبر (ص) این نظر را نپذیرفته بود. به هر حال آن‌ها از تصمیم خود منصرف شدند و به همکاری و هماهنگی با مسلمانان ادامه دادند و خدا آن‌ها را از وسوسه عبدالله بن ابی، سرکرده منافقان، حفظ کرد. در ادامه آیه فرمود: خدا یار و یاور و پشتیبان این دو طایفه بود و مؤمنان باید به خدا توکل کنند (طبری، ۱۴۱۲: ۴/۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۸۲۴). علاوه بر این، آیات ۱۵۲-۱۵۵ سوره آل عمران نیز در این مضمون است.^۱

پیامبر خدا (ص) در جنگ احد به مسلمانان وعده داده بود در صورت فرمان‌بری، پیروز خواهند شد. در ابتدا نیز پیروز شدند و دشمن را نابود کردند؛ ولی عده زیادی از تیراندازان که به فرمان پیامبر (ص) در تنگه کوه احد مستقر شده بودند و به آن‌ها فرمان داده شده بود که هرگز آنجا را ترک نکنند، از امر پیامبر (ص) تخلف کرده، تنگه را رها کردند و برای جمع‌آوری غنایم روانه میدان شدند؛ دشمن نیز از همان‌جا حمله کرد و مسلمانان را شکست داد.

۱. «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَسَلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أُرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (۱۵۲) «إِذْ تَصْعَدُونَ وَ لَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَنَابَكُمْ عَمَّا بَعِمَ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا مَا أَصَابَكُمْ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (۱۵۳) «ثُمَّ أُنزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنٌ نَاعَسَا يَعْصِي طَائِفَةٌ مِنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بَيوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (۱۵۴) «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (۱۵۵)

آیات نام‌برده درباره همان گروه پنجاه نفری تیراندازی بود که مسئولیت نگهبانی از دره احد را برعهده داشتند. آن‌ها مؤمنانی بودند که به منظور یاری رسول خدا (ص) به میدان جنگ آمدند؛ اما بر اثر ضعف در ایمان و علاقه به جمع آوری غنایم سست شدند و دست از جنگ کشیدند. این افراد سپس پشیمان شدند؛ از همین رو در پایان آیه خداوند از عفو و بخشوده شدن آن‌ها خبر داده است (زمخسری، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۲۷).

شب بعد از نبرد، شبی دردناک و پراضطراب بود. مسلمانان با توجه به اخبار رسیده پیش‌بینی می‌کردند که لشکر فاتح قریش به مدینه بازگردند و کار را یکسره کنند. در این میان، مجاهدان و توبه‌کنندگانی که از فرار و سستی خود پشیمان بودند، برخلاف این اضطراب‌ها، در حالی که هنوز لباس جنگ بر تن و سلاح بر کمر داشتند، به خواب آسوده‌ای فرورفتند و این آرامش از جانب خدا بود؛ اما گروه دوم فراریان از این آرامش برخوردار نشدند و سهم آنان دلهره و بی‌خوابی بود.

۳-۳. بررسی سنخ نیمه‌همراه در قرآن

این سنخ از صحابه شامل دسته‌ای از فراریان نبرد احد و افراد سست‌ایمانی می‌شود که با مشاهده شکست سپاه اسلام و هنگام انتشار شایعه کشته شدن رسول خدا (ص)، دست از جنگ کشیده، به میدان پشت کردند و هیچ نشانی از توبه و بازگشت به سوی میدان یا پیامبر (ص) بروز ندادند. در آیات مربوط به این دسته، نشانی از بخشش و لطف خدا به ایشان دیده نمی‌شود (آیات ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۵-۱۴۴ و ۱۵۴^۳ سوره آل عمران و آیه ۲ سوره صف^۱).

۱. «إِذْ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

۲. «وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (۱۴۳) «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (۱۴۴) «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِنَابًا مُوجَّلًا وَمَنْ يَرِدِ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يَرِدِ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ» (۱۴۵)

۳. «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْنَا مِنَ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نَعَاسًا يُغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ

طبرسی در مورد آیات ذکر شده آل عمران سه قول را روایت کرده است: ۱. پس از آسیب‌ها و رنج‌هایی که در جنگ احد به مسلمانان رسید، این دو آیه نازل شد. ۲. هنگامی که در احد نگهبانان تنگه احد آن را رها کردند و شکست نصیب مسلمانان شد، پیامبر (ص) دعا کرد و آن‌گاه گروهی از تیراندازان مشرکان را هدف قرار دادند و از کوه بالا رفتند، سپس این آیه نازل شد. ۳. آیه پس از جنگ احد نازل شد؛ وقتی که خداوند دستور داد مسلمانان مشرکان مکه را تعقیب کنند. این قول از آن کلبی است. طبرسی هیچ‌یک از این سه قول را ترجیح نداده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۴۳/۲). مفسران دیگر مانند زمخشری (۱۴۰۷: ۴۱۸/۱) و طبری (۱۴۱۲: ۶۶/۴) قول نخست را ذکر کرده‌اند.

این آیات ناظر بر شایعه قتل رسول اکرم (ص) در جنگ احد است که باعث تضعیف روحیه مسلمانان و فرار عده‌ای از آنان از صحنه نبرد شد. خداوند در این آیه مسلمانان فراری را سرزنش کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۴۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۸۰/۲). خداوند علت فرار مسلمانان را ترس از مرگ دانسته و مسلمانان را به ثبات و پای‌داری برای اجرای سنت الهی فراخوانده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۸/۳).

در آیه ۱۵۴ آل عمران نیز گروهی دیگر از صحابه - علاوه بر آن گروهی که در سنخ همراه حداکثری بیان کردیم - معرفی شده‌اند که در آغاز، پیامبر (ص) را در کارزار همراهی کردند؛ اما با مشاهده شکست سپاه اسلام دست از یاری دین برداشتند و از جنگیدن سر باز زدند. به عقیده بیشتر مفسران (از جمله طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۱۳/۱؛ مغنیه، ۱۴۱۳: ۱۸۱/۲) این گروه همان منافقان هستند؛ اما بر اساس متون تاریخی، منافقان در همان ابتدای جنگ از سپاه اسلام جدا شدند و وارد میدان کارزار نشدند.

این گروه وقتی در جنگ احد شکست سپاهیان اسلام را دیدند و پیروزی خود را در نهایت محقق نیافتند، دچار تردید شدند. آن‌ها با وجود پذیرش اسلام، به طور کامل موفق به ترک اندیشه‌های جاهلی از ذهن و ضمیر خود نشدند. علامه طباطبایی سرچشمه چنین

الْأَمْرُ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»
۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»

گمانی را به طرز فکر جاهلی و بت پرستی آنان در دوران جاهلیت مربوط می‌داند؛ با این توضیح که بت پرستان برای انواع حوادث از قبیل رزق، حیات، موت، عشق و جنگ رب و مدبری جداگانه و در عین حال شکست‌ناپذیر تصور می‌کردند. این بت پرستان با پذیرش اسلام، زمام امور از جمله جنگ را به خود و به ویژه شخص رسول اکرم (ص) منتسب کردند و نقش خود را در نتیجه جنگ مؤثر یا مستقل می‌شمردند؛ بنابراین چنین می‌پنداشتند که دین حق هرگز شکست نخواهد خورد و در نتیجه مشاهده سپاهیان اسلام در احد، این شک و تردید در آنان ایجاد شد (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۴/۴۷). بنابراین، این افراد در شرایطی که مرادشان حاصل آید، خداپرست می‌شوند و از پیامبر او نیز حمایت می‌کنند؛ اما در شرایطی که امور به دل خواه و پسند آنان نباشند، در باور خود سست شده، دچار تردید می‌شوند.

همان‌طور که ملاحظه شد، این دسته از آیات نیز به فراریان احد اختصاص دارد؛ اما تفاوت آن‌ها با آیات دسته قبل این است که در این آیات نشانی از بخشش و لطف خدا به ایشان دیده نمی‌شود؛ بنابراین این آیات متضمن ویژگی‌های سنخ نیمه‌همراه در احد است.

۳-۴. بررسی سنخ غیرهمراه در قرآن

غیرهمراه در آیات مربوط به نبرد احد، قابل تطبیق بر سنخ منافقان است. منافق کسی است که کفرش را مخفی و ایمانش را آشکار می‌کند (قرشی، ۱۳۷۱: ۹۹). پیش از نزول قرآن چنین اصطلاحی وجود نداشت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۹). واژه منافق در فرهنگ قرآن به معنای کسی است که گفتار او با آنچه در دل دارد، مخالف است. به عبارت دیگر، از این جهت به انسان دورو منافق می‌گویند که نیت قلبی خود را پنهان می‌کند. پنهان‌کاری و سرسختی منافقان در ضدیت با اسلام موجب شده است تا بیش از هر سنخ دیگری مورد توجه قرآن قرار گیرند (آیات ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۷ و ۱۶۸ آل عمران، آیه ۲۱۴ بقره^۴ و آیات ۷۸ و ۸۸ سوره نساء).

۱. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَانْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»

در شأن نزول آیه ۱۴۹ سوره آل عمران مفسران گفته‌اند این آیه درباب منافقان است که پس از شکست در احد به مسلمانان گفتند به دین گذشته خود برگردید (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۵۶/۲). پس از جنگ احد، دشمنان اسلام اعم از منافقان، یهود و نصارا با استفاده از شکست مسلمانان تبلیغات سوء می‌کردند تا آن‌ها را به اسلام بدبین کنند. این آیه می‌فرماید: از کافران برحذر باشید که آن‌ها پیوسته در فکر این هستند که شما را از دینتان برگردانند و در این صورت شما تمام هستی مادی و معنوی خود را باخته‌اید.

در آیه ۱۵۶ آل عمران، منظور از کسانی که کافر شدند، بنابه برخی روایات، منافقان یعنی عبدالله بن ابی و طرف‌داران اوست (همان، ۸۶۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۸۹/۲؛ میدی، ۱۳۷۱: ۳۲۱/۲). پس از آن، مؤمنان را از اقتدا به منافقان در کردار و گفتار نهی می‌فرماید و از جمله «وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ» به‌بعد، اوصاف آنان را برمی‌شمارد. آن‌ها هنگامی که برادرانشان به مسافرتی می‌روند یا در صف مجاهدان قرار می‌گیرند و کشته می‌شوند، می‌گویند: افسوس اگر نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند.

در آیه ۱۶۲ آل عمران وضع منافقان و مسلمانان سست‌ایمانی را بیان می‌کند که به پیروی از اهل نفاق، از شرکت در جنگ خودداری کردند. هنگامی که پیامبر (ص) به سوی احد حرکت کرد، جمعی از منافقان در مدینه ماندند، عده‌ای از میانه راه بازگشتند و

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحِبُّ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

۲. «أَفَمَنْ آتَبَعَ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»

۳. «وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَاقَبُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» (۱۶۷) «الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۱۶۸)

۴. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»

۵. «أَلَيْسَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكُمْ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ لَهْؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا»

۶. «فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَكْسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَهْتَدُوا مِنْ أَضَلِّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ

گروهی از مسلمانان ضعیف هم به آن‌ها پیوستند (طوسی، بی‌تا: ۳/۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۸۷۵). آیه نام‌برده درباره آنان می‌فرماید: آیا کسانی که رضای خدا را خریدند و به جهاد رفتند همانند آن‌هایی هستند که به خشم خدا روی آوردند و جایشان دوزخ است؟ و چه بد سرنوشتی است.

در آیه ۱۶۷ آل عمران به‌طور مستقیم از سنخ منافقان حاضر در احد و تخلف آن‌ها از شرکت در نبرد سخن می‌گوید. منظور از منافقان در این آیه آن گروه سیصدتن فراری به رهبری عبدالله بن ابی است که در آغاز جنگ احد از رفتن به جنگ خودداری کردند و از صف مسلمان‌ها جدا شدند. وقتی که عبدالله بن عمرو بن حرام به آنان گفت: بیایید در راه خدا جهاد کنید یا از خود دفاع کنید، آن‌ها بهانه آوردند و گفتند: اگر می‌دانستیم جنگی صورت خواهد گرفت، دنبال شما می‌آمدیم (طبری، ۱۴۱۲: ۴/۱۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۸۷۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/۱۴۰).

در آیه ۱۶۸ آل عمران واکنش منافقان آمده است؛ زیرا آنان علاوه بر اینکه از جنگ احد کنار کشیدند، در تضعیف روحیه دیگران نیز سعی می‌کردند. وقتی مجاهدان از احد برگشتند، به آن‌ها زخم زبان می‌زدند و می‌گفتند: اگر به حرف ما گوش می‌دادید و در مدینه می‌ماندید و دفاع می‌کردید، به این روز نمی‌افتادید. آن‌ها می‌خواستند ادعا کنند که این سرنوشت را حدس نمی‌زدند؛ بلکه به‌طور یقین پیش‌بینی و پیش‌گویی می‌کردند. در این آیه به آن‌ها پاسخ داده می‌شود: اگر شما می‌توانید آینده را پیش‌بینی کنید، پس شرایط مرگ خود را شناسایی و خود را از آن خلاص کنید (طوسی، بی‌تا: ۳/۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۱۶۶).

در شأن نزول آیه ۲۱۴ بقره گفته شده است هنگامی که مسلمانان در جنگ احد شکست خوردند، عبدالله بن ابی به آن‌ها گفت: تا کی خود را به کشتن می‌دهید؛ اگر محمد پیامبر بود خداوند یاران او را گرفتار اسارت و قتل نمی‌کرد. در این زمان آیه ۲۱۴ بقره برای تسلی مسلمانان نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۴۶).

آیه ۷۸ سوره نساء نیز به این مسئله اشاره می‌کند که هنگامی که در جنگ احد عده‌ای از مسلمانان شهید شدند، منافقانی که از رفتن به جهاد بازایستادند، گفتند: اگر برادران ما نزد

ما می ماندند و از رفتن به جنگ خودداری می کردند، کشته نمی شدند؛ پس خداوند این آیه را نازل کرد (واحدی، ۱۴۱۱: ۱/ ۱۷۱). در این آیه خداوند در جواب منافقان می فرماید: هر جا که باشید مرگ شما را درک خواهد نمود؛ ولو اینکه در میان برج های محکم و برافراشته پناهنده و متحصن شوید.

چون افراد منافق به خدا و پیامبر (ص) ایمان واقعی نداشتند، اکثر اوقات به خدا و رسولش اعتراض می کردند. هر زمان که خیر و منفعتی به آن ها می رسید، می گفتند از طرف خداست؛ ولی اگر دچار مفسده و ضرری می شدند، می گفتند: یا محمد این ها از طرف توست. تردیدی نیست که اعتراض به پیامبر خدا اعتراض به خود خدا خواهد بود؛ از همین رو خدای علیم سخنانشان را تکذیب می کند و به رسول خود می فرماید: در جواب آنان بگو تمام این خیر و شرهایی که شما می گوئید، پاداش و کیفر رفتارهای نیک و بد خود شماست که از طرف خدا به شما بازمی گردد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۳/ ۳۱۱).

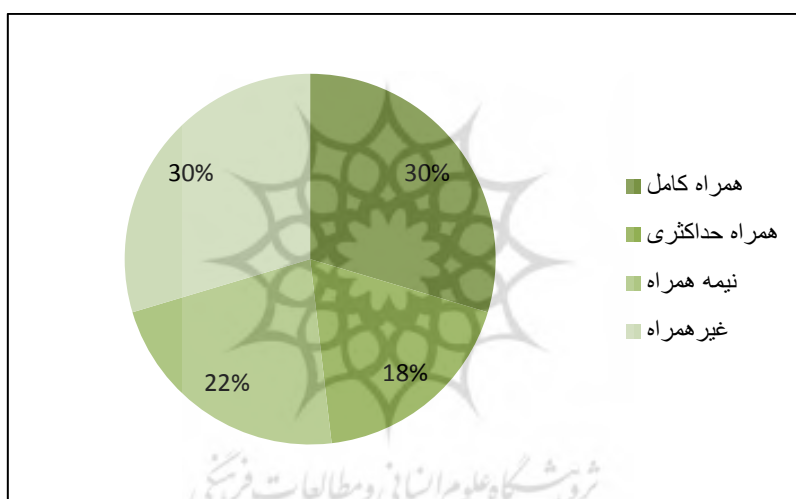
به نقل برخی مفسران، شأن نزول آیه ۸۸ نساء مربوط به منافقان احد است. هنگامی که مسلمانان با پیغمبر اکرم (ص) برای جنگ احد از مدینه خارج شدند، عده ای از منافقان برگشتند. مسلمانان درباره برخورد با متخلفان از جنگ اختلاف نظر پیدا کردند؛ پس خداوند این آیه را فر فرستاد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۱۳۳).

آیات یاد شده شامل ویژگی های منافقان حاضر در احد و کارشکنی های آنهاست. از این گروه نه تنها هیچ عمل مؤثری مشاهده نشد؛ بلکه با کارشکنی و نافرمانی از دستورهای رسول خدا (ص)، شایعه افکنی و... در صدد تضعیف روحیه مجاهدان برآمدند.

جدول و نمودارهایی که در ادامه خواهد آمد، نشان دهنده فراوانی رویکرد آیات مربوط در هریک از سنخ های چهارگانه است.

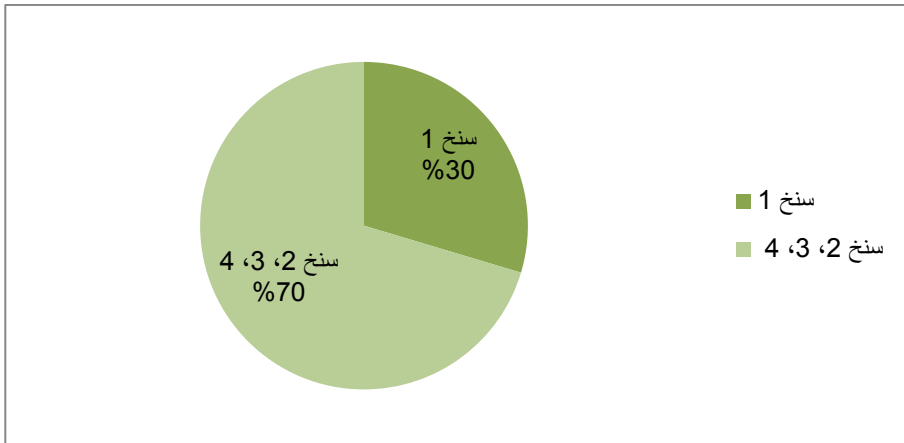
جدول ۱. فراوانی رویکرد آیات در هریک از سنخ‌های مورد بررسی

سنخ	فراوانی آیات	درصد
همراه کامل	۸	۳۰٪
همراه حداکثری	۵	۱۸٪
نیمه‌همراه	۶	۲۲٪
غیرهمراه	۸	۳۰٪
مجموع	۲۷	۱۰۰٪



شکل ۱. فراوانی آیات در هریک از سنخ‌های مورد بررسی

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در مقایسه بین سنخ اول یعنی همراه کامل با سنخ‌های دوم، سوم و چهارم می‌توان گفت بیشتر آیات یعنی ۷۰ درصد ناظر به سنخ‌های همراه حداکثری، نیمه‌همراه و غیرهمراه است؛ یعنی همان کسانی که همراهی و مشارکت کافی و مؤثر در صحنه نبرد احد از خود نشان ندادند. ۳۰ درصد آیات نیز مربوط به سنخ اول یا همان همراه کامل است. نمودار زیر این مقایسه را به تصویر کشیده است:



شکل ۲. مقایسه فراوانی آیات بین سنخ ۱ و سنخ‌های ۲ تا ۴

۴. سنخ‌شناسی مشارکت صحابه حاضر در احد در منابع تاریخی

گزارش‌های تاریخی منابع درباره اصحاب حاضر در احد آمیخته به ابهام و گاه آشفته و ناهمگون است؛ به طوری که به صورت گذرا و ویژگی‌ها، عمل کرد و مشارکت صحابه فراری را بیان می‌کند و به طور کامل عمل کرد آن‌ها را توصیف نمی‌کند؛ اما به شکلی مؤثر و مفصل به حضور و اقدامات اصحابی می‌پردازد که تا پایان نبرد پای‌داری کردند.

بر اساس گزارش‌های تاریخی موجود در منابع، تعداد صحابه حاضر در احد حدود هفتصد نفر بودند. از میان این تعداد، فقط کیفیت حضور و همراهی حدود صد نفر در منابع تاریخی بیان شده و از بقیه به ذکر نام و حضور آن‌ها در نبرد بسنده شده است. به همین سبب، آنان در این نوشتار به عنوان صحابه شاخص در نظر گرفته شده‌اند. به دلیل اینکه هدف این پژوهش بررسی کیفیت حضور و همراهی صحابه حاضر در احد است، فقط به بررسی افرادی پرداخته‌ایم که چگونگی حضورشان در منابع تاریخی مانند معاری و... ثبت شده است.

سنخ‌هایی از مشارکت اصحاب حاضر در احد بر اساس این گزارش‌های تاریخی در پنج سنخ همراه کامل، همراه حداکثری، نیمه‌همراه، همراه حداقلی و غیرهمراه شناسایی می‌شود. ویژگی‌هایی که بر اساس آن‌ها می‌توان مشارکت اصحاب را به سنخ‌های مختلف

تقسیم کرد، شامل این موارد است: الف. مسئولیت‌پذیری و اطاعت از فرمان‌ده؛ ب. میزان حضور مؤثر در معرکه جنگ؛ ج. همراهی در بُعد گفتار.

همراه کامل در پژوهش حاضر به فردی اطلاق می‌شود که در محورهای تعیین‌شده نظیر مسئولیت‌پذیری و اطاعت از فرمان‌ده و حضور مؤثر در معرکه جنگ به‌خوبی ایفای نقش و مشارکت کرده باشد. به‌نظر می‌رسد اکثر صحابه شاخص مورد بررسی در این تحقیق در زمره مصادیق این سنخ قرار گیرند. با بررسی گزارش منابع، از مجموعه ۱۰۱ صحابی مورد بررسی در تحقیق حاضر، ۸۲ تن را می‌توان در سنخ همراه کامل دانست؛^۱ کسانی مانند ابوبرده (واقدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۳۲ و ۲۹۴)، ابودجانہ (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳/ ۴۲۰)، ابوعمیرہ جراح (ابن هشام، بی تا: ۱/ ۳۶۹)، ثابت بن وقش (طبری، ۱۳۸۷: ۲/ ۵۳۰)، حباب بن منذر (واقدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۵۶) و غیره. به عبارت دیگر، ۸۱ درصد افراد معرفی‌شده در منابع، در سنخ همراه کامل هستند.

همراه حداکثری به فردی اطلاق می‌شود که در آغاز محدوده زمانی نبرد احد در برابر اوامر صریح و غیرصریح پیامبر (ص) فرمان‌بردار بوده و از جهت گفتار نیز حمایت خود را از ایشان ابراز کرده است. وجه تمایز مهم بین همراه کامل و همراه حداکثری به میزان مشارکت آن دو در معرکه جنگ احد مربوط است. همراه حداکثری به‌منظور یاری رسول خدا (ص) و مبارزه با دشمن قدم به میدان جنگ گذاشته؛ اما در مواقعی بر اثر هجوم ناگهانی دشمن، مشاهده انبوه سپاهیان دشمن و قلت سپاهیان اسلام، جمع‌آوری غنایم و مواردی از این قبیل دچار سستی شده و عرصه را خالی کرده یا اینکه مشارکت و حضور مؤثری در احد از او ثبت نشده است (مطهری‌فر، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۹)؛ مانند ابوبشیر مازنی (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۷/ ۳۵)، ابوالسیر انصاری (واقدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۹۶) و غیره. با توجه به نتایج به‌دست آمده، از مجموع اصحاب حاضر در احد، ۶ درصد طبق گزارش‌های تاریخی در گروه همراه حداکثری قرار می‌گیرند.

۱. ذکر نام ۸۲ تن سبب طولانی شدن مطلب می‌شود؛ برای آشنایی با ویژگی‌های رفتاری آنان و توضیحات بیشتر ر.ک: مطهری‌فر، ۱۳۹۲: ۳۱-۶۵.

نیمه‌همراه به فردی گفته می‌شود که در محور مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری از رسول خدا (ص) در مقایسه با همراه کامل و همراه حداکثری، از تواضع و تسلیم برخوردار نیست و از نظر کردار و گفتار، درمقابل او امر صریح و غیرصریح پیامبر (ص) ایستادگی کرده یا اعتراض‌هایی از وی مشهود است. در محور رشادت و دلاوری این فرد، در برخی موارد همکاری و مشارکت مؤثری در میدان جنگ نشان داده است؛ از جمله این افراد ابومسعود انصاری (ابن‌عبدالبر، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۷۴)، عثمان‌بن‌عفان (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۱۰۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲/۵۲۲) و غیره (ر.ک: مطهری‌فر، ۱۳۹۲: ۷۰-۷۲) هستند. براساس گزارش منابع، ۳ درصد از صحابی دارای عمل‌کرد در احد، در زمره نیمه‌همراهان قرار دارند.

مراد از همراه حداقلی در این بررسی صحابی است که از نظر رفتار، کمترین میزان همراهی را با رسول خدا (ص) در غزوات داشته است. از مصادیق این سنخ افرادی هستند که تا مدت‌ها در جبهه مقابل پیامبر (ص) قرار گرفتند و در ضدیت با ایشان بودند. اما با فراگیری اسلام، به‌ناچار یا براساس مصلحت به اسلام روی آوردند. این افراد جز در مواردی که بی‌تأثیر از روحیه جنگاوری و عصیت قبیله‌ای آنها نیست، رشادت چندانی در معرکه احد نشان ندادند. این‌ها با وجود حضور در کنار پیامبر (ص)، فرمان‌بری، مشارکت، حضور و همراهی کلامی‌شان اندک بود و در سطح حداقلی قرار داشت؛ از جمله این افراد اوس بن یقظی (ابن‌عبدالبر، ۱۴۰۹: ۳/۱۲۳۸)، قزمان‌بن حارث (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۳۲۳) و حارث‌بن سوید بود (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/۸۹؛ نیز ر.ک: مطهری‌فر، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۴). با توجه به شاخصه‌های مطرح‌شده، از مجموعه ۱۰۱ صحابی مورد بررسی، ۳ درصد شامل این سنخ هستند.

سنخ غیرهمراه در بسیاری موارد با آوردن بهانه، از حضور در میدان جنگ خودداری می‌کردند؛ اما گزارش‌هایی از حضور این سنخ در برخی غزوات وجود دارد. عمده مشارکت غیرهمراه حضور فیزیکی در میدان جنگ است. نه تنها هیچ عمل مؤثری از او مشاهده نمی‌شود؛ بلکه با کارشکنی، نافرمانی از دستورهای رسول خدا (ص) و شایعه‌افکنی موجب تضعیف روحیه مجاهدان می‌شده است. افرادی مانند ثعلبه‌بن حاطب (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۲۷۷)، عبدالله بن ابی (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/۶۴)، سوادبن غزیه (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۱۴۰۹)

(۲۷۷)، عقبه بن عثمان (طبری، ۱۳۸۷: ۲/۵۲۲)، حارث بن حاطب (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳/۱۳۵۱) و متعب بن قشیر (ابن هشام، بی تا: ۱/۵۲۲؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ۴/۱۳۷؛ مطهری فر، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۷) از این سنخ هستند. از مجموع ۱۰۱ صحابی مورد بررسی در تحقیق حاضر، به نظر می‌رسد ۷ درصد مربوط به سنخ غیر همراه هستند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در منابع تاریخی و رجالی موجود، مشارکت اکثر صحابه‌ای که کیفیت حضورشان ثبت شده است، در سنخ‌شناسی مزبور، با ۸۱ درصد، در گونه همراه کامل قرار می‌گیرند؛ به طوری که اکثر منابع از جمله مغازی بیشتر کیفیت حضور صحابه‌ای را ذکر کرده‌اند که اقدامات نظامی خوبی از خود نشان دادند و تا پایان همراه پیامبر (ص) پای داری کردند. پس از همراهان کامل، سنخ غیر همراه با ۷ درصد در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. سنخ همراه حداکثری ۶ درصد، نیمه همراه و همراه حداقلی هر کدام با ۳ درصد از مجموع صحابه مورد بررسی در این پژوهش را تشکیل داده‌اند. به نظر می‌رسد در میان راویان اخبار نبرد احد و مؤلفان مغازی، گرایش چندانی به نام بردن از این افراد دیده نمی‌شود.

۵. نتیجه

از مجموع ۲۷ آیه بررسی شده در این پژوهش، در ۸ آیه (یعنی ۳۰ درصد) ویژگی‌ها و شاخصه‌های مشارکت سنخ همراه کامل بیان شده است؛ ۱۸ درصد به مشارکت سنخ همراه حداکثری و ۲۲ درصد آیات نیز به شاخصه‌های مشارکت سنخ نیمه همراه پرداخته‌اند. هم قرآن و هم منابع در نگاه به مشارکت صحابه در احد اشتراک دارند؛ به طوری که با تکیه بر هر دو منبع می‌توان به سنخ‌شناسی مشارکت اصحاب در احد دست یافت. اما در نگاهی کلی، میان سنخ‌شناسی استنباط شده از منابع و نیز سنخ‌های استخراج شده از آیات قرآن، در توجه به صحابه مقاوم و مؤثر در احد یا صحابه فراری و غیر مؤثر در آن تفاوت وجود دارد. در منابع تاریخی بیشتر شاخصه‌های مشارکت سنخ همراه کامل بیان شده است؛ به طوری که ۸۱ درصد از ۱۰۱ صحابی را که کیفیت حضورشان قابل استخراج است، بر مبنای ویژگی‌هایی که معرفی می‌کنند، می‌توان در زمره همراه کامل دانست. از سوی دیگر، با

عبارت پردازی بسیار گذرا، کوتاه و گاه مبهم، کیفیت حضور و مشارکت اصحابی را بیان می‌کنند که تا پایان مقاومت نکردند و از خود سستی نشان دادند؛ به طوری که می‌توان فقط ۱۹ درصد از مشارکت ۱۰۱ صحابی حاضر را در سنخ‌های دیگر، یعنی همراه حداکثری، نیمه‌همراه، همراه حداقلی و غیرهمراه، جای داد.

علاوه بر این‌ها، دسته دیگری که افزون بر گروه‌های معرفی شده در آیات قرآن، در این گونه‌شناسی معرفی شده است، سنخ همراه حداقلی نام دارد. در آیات مربوط، به این گروه اشاره نشده؛ اما در روایات تاریخی می‌توان به صراحت شاخصه‌هایی از مشارکت آنان را یافت و دسته‌ای ویژه برای آن‌ها در نظر گرفت.

اکثر آیات قرآن هنگام بیان ویژگی‌های مشارکتی صحابه حاضر در احد، با لحنی عتاب‌آلود به سرزنش و ملامت صحابه‌ای می‌پردازد که مقاومت نکردند و از میدان نبرد فرار کردند. وجه غالب این آیات را می‌توان ناظر به مشارکت سنخ‌های همراه حداکثری، نیمه‌همراه و غیرهمراه تلقی کرد. به عبارت دیگر، آیات قرآن بیشتر شاخصه‌های صحابه‌ای را ذکر کرده که مشارکت فعال و چشم‌گیری نداشته یا رفتار منفعلانه و سستی از خود نشان داده‌اند.

با توجه به شاخصه‌ها و بررسی‌های انجام شده می‌توان سوگیری آیات قرآنی را با ۷۰ درصد فراوانی آیات مربوطه، به بیان عمل کرد سنخ‌های همراه حداکثری، نیمه‌همراه و غیرهمراه دید؛ یعنی همان کسانی که همراهی کامل و مؤثر با پیامبر (ص) در صحنه نبرد نداشتند. در حالی که فقط از ۳۰ درصد آیات، شاخصه‌های همراهان کامل قابل استخراج بود.

تفاوت عمده سنخ‌شناسی برگرفته از آیات قرآن با منابع تاریخی این است که برخلاف آیات که اکثر صحابه حاضر را در دسته همراه حداکثری، نیمه‌همراه و غیرهمراه قرار می‌دهد، منابع تاریخی بیشتر صحابه حاضر را همراه کامل معرفی می‌کنند و بسیار کم و به‌طور گذرا به گروه‌های دیگر و ویژگی‌های آنان می‌پردازند.

اکثر آیات مورد بررسی در این تحقیق در زمره سنخ‌های همراه حداکثری، نیمه‌همراه و غیرهمراه هستند. به عبارت دیگر، آیات قرآن بیشتر شاخصه‌های صحابه‌ای را ذکر کرده

که مشارکت فعال و چشم‌گیری نداشته یا رفتار منفعلانه و سستی از خود نشان داده‌اند. در واقع، سنخ‌شناسی قرآن، برعکس منابع، بیشتر ناظر به اصحابی است که مشارکت آن‌ها در نبرد ناکافی و غیر مؤثر بوده است.

منابع

- **قرآن کریم**
- ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹ق). **اسد الغابه فی معرفه الصحابه**. بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق). **الاصابه فی تمییز الصحابه**. تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق). **الطبقات الکبری**. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلم.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق). **الاستیعاب فی معرفه الاصحاب**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). **تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون. *پیشرو علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا). **السیره النبویه**. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلیبی. بیروت: دارالمعرفه.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق). **کتاب جمل من انساب الأشراف**. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: شرکت کیهان.

- حر، سیدحسین (۱۳۸۵). «بررسی علل شکست غزوة احد از منظر قرآن و پیامبر (ص)». **نشریه علوم قرآن و حدیث**. ش ۲۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**. دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- رستمی، کیهان (۱۳۸۶). **تحلیلی بر آیات غزوة احد در سوره آل عمران**. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمد حسینی. دانشگاه اصول الدین قم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی**. تهران: کیهان.
- سهراب زاده، خدیجه (۱۳۸۹). **سنخ شناسی رفتاری صحابه شاخص حاضر در غزوات با تکیه بر الگوی سنخ شناسی قرآن**. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی دکتر علی محمد ولوی. دانشگاه الزهرا.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). **الدرالمنثور فی تفسیر المأثور**. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۳۷۷). **جوامع الجامع**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۳۸۷). **تاریخ الامم و الملوک**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
- _____ (۱۴۱۲ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). **تفسیر قمی**. قم: نشر دارالکتاب.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق). **بیان السعاده فی مقامات العباده**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- مصری، محمود (۱۴۲۱ق). **اصحاب الرسول (ص)**. القاہرہ: دارالحديث.
- مطهری فر، فاطمه (۱۳۹۲). **سنخ‌شناسی مشارکت اصحاب حاضر در احد بر اساس قرآن و منابع تاریخی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی شهلا بختیاری. دانشگاه الزهرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). **تفسیر الکاشف**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). **توجه قرآن کریم**. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- _____ (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱). **کشف الاسرار و عدہ الابرار**. تهران: امیرکبیر.
- میثمی، لطف الله و دیگران (۱۳۸۴). **أحد قلہ بحران، قلہ مدیریت**. تهران: نشر صمدیه.
- واحدی، علین محمد (۱۴۱۱ق). **اسباب نزول القرآن**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). **المغازی**. تحقیق مارسدن جونس. بیروت: مؤسسه الاعلمی.